

تبلیغ ناب

● بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با روحانیون و طلاب مُبلغ ۱۳۷۷/۹/۲۳

نکته مهمی در باب تبلیغ شما عزیزان هست که من عرض می‌کنم... حقیقت ناب و اسلام ناب که امام بزرگوار بر روی آن، این همه تأکید می‌کردند، برای این است که ما این متاع را - که متاع ذهن مردم و متاع مغزها و متاع دلهاست - خالص، بدون غل و غش، بدون تقلب و بدون کم و زیادهایی که دستهای خائن و گنهکار یا غافل و جاهل به وجود آورده‌اند، به مخاطبان برسانیم. این بزرگ‌ترین امانت الهی است؛ «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا». بزرگ‌ترین و نفیس‌ترین و مؤثرترین و گران‌بها ترین امانتی که خدای متعال به ما داده‌است، معارف الهی و حقایق الهی است. اینها را بایستی به صورت ناب و به صورت خالص، هر چه نزدیک‌تر به واقع، به دست بیاوریم و آن را به مخاطب برسانیم.

یکی از موانع در این راه، عبارت است از سهل‌انگاری؛ یعنی هر حرفی که به ذهن کسی برسد، به عنوان دین بگوید؛ هر غیرمتخصص و ناواردی، آنچه را که به سلیقه خودش خوب می‌آید، به دین نسبت دهد و منعکس کند. این آفت است که به اشتباه‌ها، به انحراف‌ها، به التقاط‌ها، به کج‌روی‌های فکری و علمی و به دنبال آن به فاجعه‌های اجتماعی منتهی می‌شود. آفت دوم، تحجرها، بدفهمی‌ها، تشخیص‌ندادن مطالب مهم و عمده کردن مطالب کوچک است. بین این دو، صراط مستقیم الهی را بایستی پیدا کرد و این کار، کار شما جوانان است؛ کار شما فضلالی حوزه است؛ کار شما علمای معظم است که باید تحت اشراف بزرگان و اعلام و مراجع بزرگ دینی، در حوزه‌ها انجام گیرد که بحمدالله به برکت انقلاب، این کارها شروع شده‌است. حالا با روندهای کند یا تند یا متناسب، به هر حال این کارها شروع شده‌است؛ باید اینها را دنبال کنید.

اما آنچه که امروز می‌خواهم به این نکاتی که بارها عرض کرده‌ام، اضافه کنم، این است: شأن روحانی... از جمله این است که در دل‌های مؤمنین، حالت اطمینان و سکینه به وجود آورد: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ»؛ سکینه، یعنی حالت استقرار، حالت آرامش؛ آرامش روانی، آرامش فکری. نقطه مقابل این اطمینان، حالت تشنج فکری و آشوب فکری و بی‌انضباطی فکر و اندیشه و احساسات در وجود یک فرد است که او را به انواع و اقسام بدبختی‌های شخصی و اختلالات اجتماعی می‌کشاند. اگر شما امروز با مسائل دنیای مدرن، دنیای سرشار از فن‌آوری و علم و صنعت برتر و پیشرفتهای علمی - که داعیه رهبری جهان را دارند؛ یعنی اروپا و آمریکا - آشنا باشید، خواهید دید که امروز بزرگ‌ترین گرفتاری آنها، فقدان این حالت آرامش و اطمینان و سکینه است.

آرامش و اطمینان و سکینه‌ای که قرآن به ما آموزش می‌دهد، غیر از حالت خواب‌رفتگی و خواب‌آلودگی است؛ غیر از حالت تخدیر است. اهمیت دین صحیح، این است که حالت تخدیر به کسی نمی‌دهد؛ بلکه حالت تخدیر فکری و روحی را از انسانهایی که تحت تأثیر عوامل گوناگون، دچار آن حالت شده‌اند، به کلی می‌زداید؛ آنها را هوشیار و حساس می‌کند و به خود می‌آورد؛ اما در عین حال، آنها را از آشفتگی و تشویش و دغدغه فکری نجات می‌دهد. دین صحیح، حالت سکینه و اطمینان و آرامش و اعتماد به خود و اعتماد به خدا و اعتماد به آینده را به انسان می‌بخشد. آنچه که امروز جزء وظایف حتمی مبلغان ماست، القای این حالت به مؤمنین، به مخاطبان و به آحاد مردم است.



● بیانات مقام معظم رهبری در جمع علما و روحانیون استان گیلان

۱۳۸۰/۱۱/۲

اما آن نکته‌ای که من باید به شما جوانها عرض کنم:

امروز تبلیغ دین با شیوه معمول و سنتی روحانیت، همان اعتبار و تأثیری را دارد که چهل پنجاه سال پیش داشت. هیچ کس گمان نکند که اهمیت منبر، مسئله‌گویی و جلسات گوناگون روحانیون، امروز کمتر از دیروز است؛ نه، بنده با وسایل ارتباطات جمعی آشنا هستم؛ تلویزیون و بقیه چیزها را می‌شناسم و تأثیرات آنها را می‌دانم؛ اما معتقدم جلسه‌ای که یک روحانی بنشیند و عده‌ای روبه‌روی او قرار گیرند و او با آنها حرف بزند، همچنان جایش در کل تبلیغات مدرن امروزی خالی است.

ما این را نداریم؛ این با تلویزیون هم امکان‌پذیر نیست؛ وقتی شما در جلسه‌ای می‌نشینید و با پنجاه نفر، صد نفر یا دویست نفر حرف می‌زنید، این فرق می‌کند با اینکه پشت دوربین تلویزیون بنشینید و همان تعداد مخاطب، شما را از شیشه تلویزیون ببینند؛ این، دو مقوله است. بنابراین، جای منبر و محافل سنتی ما، از لحاظ اهمیت و تأثیر تبلیغی، همچنان محفوظ است.

در اینجا دو نکته وجود دارد که باید به آن توجه کنید:

یک نکته، شکلی است؛ یک نکته، محتوایی است.

نکته شکلی، این است که امروز علم ارتباطات، یک علم بسیار پیچیده و راقی است. شناختن چگونگی ارتباط‌گیری با دلها و مغزهای مردم از طرق مختلف - یعنی همین تبلیغات - یک علم است؛ در مهم‌ترین و مدرن‌ترین دانشگاه‌های دنیا، روی این دارد کار می‌شود و جزء رشته‌های بسیار مهم تحصیلی است. نوع روزنامه‌نگاری، چگونگی روزنامه‌نگاری، نوع اداره رادیو و تلویزیون و از این قبیل چیزها، یک علم است.

موازین رایج تبلیغات، تحت چارچوب‌های علمی، ضابطه‌مند می‌شود؛ و الا آیا روزنامه‌نویس، این است که انسان، تکه کاغذی را بردارد و روی آن چیزی بنویسد و بعد در ده هزار نسخه، بین مردم پخش کند؟ اینکه چیز جدیدی نیست؛ همیشه بوده؛ باز هم خواهد بود! اما همین را ضابطه‌مند کرده‌اند: شما چگونه شانزده صفحه را آرایش بدهید؛ چطور نیم‌تای صفحه اول را تنظیم کنید و آرایش بدهید؛ از چه کلماتی استفاده کنید و چه حروفی به کار ببرید تا برای بیننده، جاذبه‌اش بیشتر باشد و او دستش را دراز کند و این روزنامه را از جلوی پیش‌خان روزنامه‌فروش بردارد و بخرد؛ بعد رغبت کند و آن را بخواند و سپس این خواندن در مغز او اثر بگذارد؛ اینها زیر ضابطه رفته‌است.

ما از صد سال پیش تا امروز، چقدر موازین منبر را زیر ضابطه برده‌ایم؟ این یک خلأ است. اگر کسی هنرمند بود و مثل مرحوم آقای فلسفی، ذاتاً هنر منبر و سخنوری داشت، کارش پیش می‌رود و حرفش اثر می‌گذارد؛ اما اگر کسی این نبوغ و استعداد ذاتی را نداشت، یا باید از شیوه‌های کاذب جاذبه‌دار استفاده کند؛ یا باید محکوم بی‌جاذبگی شود؛ یا بعد از اندکی صحبت کردن، حرفهایش از دهن بیفتد و رغبت کسی را بر نینگیزد؛ در حالی که سینه‌اش پر از معلومات است؛ همه اینها ایراد است.

ما می‌توانیم شیوه انحصاری اختصاصی بسیار مؤثر تبلیغ را - یعنی همین منبر و مواجهه روبه‌رو و جلسه تفسیر قرآن و بیان مسائل دینی را - تحت ضابطه در آوریم. چرا این را به شما می‌گوییم؟ شما که نباید این

کار را بکنید. من این را می‌گویم تا فضای ذهنی شما به اهمیت این قضیه توجه پیدا کند؛ بخواهید و بکشید تا بشود؛ این موضوع مربوط به قالب و شکل.

نکته دیگر، در مورد محتواست. ما می‌خواهیم چه چیزی به مردم بدهیم؟ آنچه که مورد نیاز مخاطب ماست، چیست؟ اصلاً مخاطب ما کیست؟ روی این نکته، باید توجه کرد. در همین شهر و استان، مرحوم آقا محمدعلی کرمانشاهی - پسر مرحوم محقق بهبهانی - یک کتاب فقهی مفصل تألیف کرد که الآن وجود دارد. حدود دویست سال پیش، به گیلان آمد و مردم به او اقبال و اظهار ارادت کردند.

آقای محمدعلی کرمانشاهی، روی منبر می‌رفت و با مردم حرف می‌زد؛ اما اگر شما همان منبر مرحوم آقا محمدعلی را - که فقیه عالی‌قدر بلندمرتبه و پسر مرحوم وحیدبهبهانی است - بتوانید از کتب غیب بیرون بیاورید و عیناً روی کاغذ بنویسید و بالای منبر بخوانید، چنانچه او پانصد نفر یا هزار نفر را در آن روز جذب کرد، شما پنج نفر را هم جذب نمی‌کنید! در حالی که محتوا و مطلب و مقصود، یک چیز است؛ امروز شما به چیز دیگری نیاز دارید.

مرحوم شیخ جعفر شوشتری، به مدرسه سپهسالار تهران آمد و در ماه رمضان منبر رفت؛ مردم پای منبرش غش کردند! الآن کتابهای شیخ جعفر شوشتری - همان منبرهایش - در دسترس است؛ شما یکی از آن منبرها را حفظ کنید و بیایید بخوانید؛ اگر غیر از خمیازه در مستمعان، چیز دیگری دیدید! غش که هیچ!

چه می‌خواهید بگویید؟ امروز چه کسی مخاطب شماست؟ من به شما عرض بکنم، عزیزان! امروز مخاطب شما، جوانانند؛ روی آنها باید کار کنید؛ «عَلَيْكُمْ بِالْأَحْداثِ»، نمی‌گویم غیر جوانها را رها کنید؛ یا آنها به آموختن احتیاج ندارند؛ اما می‌گویم شما روی جوانها کار کنید؛ سرریزش به غیر جوانها هم می‌رسد و برای آنها خیلی کافی است.

اولاً ببینید جوان چه می‌خواهد و سؤال ذهن و استفهام او چیست. باید روی محتواها کار کرد؛ ما باید استفهام‌های ذهن جوان را بشناسیم تا پاسخ بجا واقع شود؛ و الا ممکن است شبهاتی در ذهنش باشد؛ ولی شما روی منبر، چیز دیگری بگویید. او وقتی نگاه کرد و دید حرف شما متوجه ذهن او نیست، اصلاً به آن توجهی نمی‌کند؛ اما وقتی دید شما دارید همان استفهام و جهالت ذهن او را می‌شکافید و آن را می‌زداید، شوق پیدا می‌کند؛ امروز می‌آید؛ فردا هم می‌آید و تحت تأثیر قرار می‌گیرد. پس اول باید فهمید که سؤال او چیست و مشکلش کجاست؟

آنچه که من به شما عزیزان تأکید و توصیه می‌کنم، اولاً تلاش علمی است؛ ثانیاً تلاش تبلیغی سازمان‌یافته است؛ ثالثاً به کسانی که در حوزه قم متمکن و ساکن‌اند، توصیه می‌کنم که اگر لطمه‌ای به کار خودشان مشاهده نمی‌کنند - که البته نباید لطمه هم ببینند - به سمت مناطقی بروند که محتاج روحانی است و اهمیت ندهند که آنجا، جای کوچک یا جای بزرگی است؛ یا روستا و شهر است.

در گذشته، گاهی علمای بزرگ و مجتهدانی بودند که در یک ده زندگی می‌کردند. بنده شنیده‌ام که در بعضی از مناطق، بیش از یکی دو مجتهد بزرگ، در یک ده زندگی می‌کردند؛ نه در زمان خیلی قدیم مثلاً پانصد سال پیش، [بلکه] مربوط به همین چند ده سال قبل است. هر جا که عالمی باشد؛ هر جا که چراغی روشن باشد، پروانه‌ها به طرف او می‌آیند و از وجود او استفاده می‌شود.

در گذشته، شهرستانها، علمای بزرگی داشتند... امروز تعداد مجتهدان ما، کمتر از آن زمان نیست. یکی از اشکالات عمده، تمرکز فضایی ما در حوزه علمیه است؛ این را باید برطرف کنند. البته این، کار ما نیست؛ از ما فقط گفتن و تذکر دادن و احیاناً ملامت کردن است. حوزه باید اقدام کند و در خود استانها و شهرستانها، مقدمات آمدن فضلا و علما را فراهم نماید. مردم شما، مردم بسیار خوبی هستند؛ دارای عقاید عمیق دینی‌اند و آزمایش خودشان را داده‌اند.